

پول، ربا و جبران تورم؟

دکتر لطفعلی عاقلی*

چکیده

در اقتصاد مرسوم، برای پول وظایف چهارگانه‌ای قابل هستند که وظیفه ناظر بر حفظ ذخیره ارزش به تقاضای نقدینگی پول منجر می‌شود و پایه تحلیل‌های IS-LM را تشکیل می‌دهد. ماهیت پول در طول زمان تغییر کرده و از وضعیت مثلی بودن به وضعیت قیمی بودن تبدیل شده است. در این مقاله ضمن اشاره‌ای گذرا به بازار پول، کاهش ارزش پول بر اساس افزایش سطح قیمت‌ها توجیه می‌شود و با بیان دیدگاه‌های موافقین و مخالفین جبران تورمی در استقراض، نتیجه‌گیری می‌شود که بر اساس آیات کریمه ناظر بر تحریم ربا، با قبول شرط تراضی طرفین در استقراض، لزومی به جبران کاهش ارزش پول پس از طی مدت قرض نیست. اما در صورتی که قرض گیرنده بر اساس رضایت و مصلحت و دوراندیشی، خود اضافه‌بر مبلغ قرض به قرض دهنده بپردازد مناسبتر است.

واژگان کلیدی: پول، ارزش پول، استقراض، ربا، جبران تورم

*پژوهشگر پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

۱- مقدمه: پول و بازار پول

پول بنا به تعریف، نقدترین دارایی است که مردم بخشی از ثروت خود را به آن صورت نگهدای می‌کنند. در روش معاملاتی از تعریف پول، این دارایی وسیله مبادله (واسطه مبادله) است اما در روش نقدینگی، پول به عنوان وسیله حفظ ذخیره ارزش تلقی می‌شود. مفهوم پول در برابر مفهوم اعتبار قرار دارد. در واقع اعتبار قدرت خریدی است که به وسیله مؤسسات اعتباری در اختیار قرض گیرندگان قرار می‌گیرد. از طرف دیگر، در یک طبقه‌بندی از دارائیه‌ها، پول نوعی دارایی با نقدینگی بالا همراه با بازدهی صفر است و در کنار آن در یک اقتصاد پیشرفته، اوراق قرضه و سهام به عنوان دارایی‌های مالی با نقدینگی کمتر و دارایی بازدهی قرار دارند. همچنین دارائیه‌های حقیقی با نقدینگی کمتر قرار دارند (مثل ماشین‌آلات و تجهیزات).

در تحلیل‌های اقتصاد کلان وظایف چهارگانه پول شامل واحد شمارش بودن، وسیله سنجش بودن، وسیله حفظ ذخیره ارزش بودن و وسیله تسویه پرداختهای معوقه بودن می‌باشد. در این مقاله سؤال اساسی آن است که پول چرا در طول زمان ارزش خود را از دست می‌دهد؟ و اگر از دست بدهد چه قدر باید جبران شود؟ و آیا در یک نظام اسلامی باید کاهش ارزش پولی جبران شود یا نه؟

در واقع اگر ارزش را تابع کمیابی بدانیم و بر اساس مبانی اقتصاد خرد کمیابی را حاوی مطلوبیت نهایی یا هزینه نهایی در یک اقتصاد بازاری بدانیم، می‌توان گفت که ارزش متناسب است با کمیابی و آن هم متناسب است با مطلوبیت نهایی و ... هزینه نهایی \otimes مطلوبیت نهایی \otimes کمیابی \otimes ارزش

که \otimes علامت تناسب است. مفهوم کمیابی در اینجا با کمیابی مصطلح در اقتصاد منابع تا حدودی متفاوت است. در اینجا کمیابی به معنای کمبود در بازار است. اگر تقاضا به هر دلیل بیش از عرضه باشد و عرضه تکافوی تقاضا را ننماید با کمبود عرضه در بازار و یا کمیابی مواجه هستیم. کاهش ارزش یک کالا (یک دارایی) معادل کاهش کمیابی و یا وفور است مثلاً اگر عرضه پول زیاد شود (وفور پول)، ارزش پول کاهش می‌یابد.

برای تبیین کاهش ارزش پول در این مقاله، از رابطه مقداری فیشر بهره

می‌گیریم:

(۱)

$$MV = P \cdot Y$$

که M حجم پول، V سرعت گردش پول (متوسط تعداد دفعات رد و بدل شدنهای پول)، P سطح عمومی قیمت‌ها و Y تولید ملی (درآمد ملی) است. طرف

۱. اگر برای پول، وظیفه حفظ ذخیره ارزش قابل شویم پول دارای هزینه فرصت است زیرا از صفت کمیابی برخوردار است و هنگامی که پول به کسی قرض داده می‌شود هزینه فرصت آن هم به وی قرض داده می‌شود.

راست رابطه (۱) در واقع تقاضای پول (عرضه محصول) و طرف چپ (۱) عرضه پول است. ارزش پول تابع معکوس سطح قیمت‌ها فرض می‌شود.

اگر چنانچه سرعت گردش پول ثابت بماند:

(۲)

$$\frac{1}{p} = \frac{1}{V} \left(\frac{y}{M} \right)$$

و اگر تغییرات $\frac{1}{p}$ را در طول زمان بررسی کنیم آنگاه

(۳)

$$\frac{d\left(\frac{1}{p}\right)}{dp} = \frac{1}{V} \left(\frac{Mdy - YdM}{M^2} \right)$$

با تغییر رابطه (۳) می‌توان نتیجه گرفت که

(۴)

$$\frac{\overset{\circ}{1}}{p} = \overset{\circ}{y} - \overset{\circ}{M}$$

یعنی اگر تغییرات درصدی تولید ملی (نرخ رشد اقتصادی) بیش از درصد

تغییرات در حجم پول (عرضه پول) باشد تغییرات درصدی در $\left(\frac{1}{p}\right)$ (ارزش پول) مثبت است اما این پدیده در عمل کمتر اتفاق می‌افتد و عموماً در وضعیت‌های مشاهده شده واقعی، نرخ رشد اقتصادی کوچکتر از نرخ رشد عرضه پول است که منجر به نزولی بودن تغییرات ارزش پول می‌شود. رابطه مقدراری فیشر با اندکی تغییر، فقط تقاضای معاملاتی پول را به دست می‌دهد:

$$\left(\frac{\overset{\circ}{M}}{p}\right) = \frac{1}{V} \cdot y = K \cdot y \quad (5)$$

که K عکس سرعت گردش پول و M عرضه پول است. اگر عرضه پول تابع مستقیم نرخ بهره باشد خواهیم داشت:

(۶)

$$\overset{\circ}{M} = M(r)$$

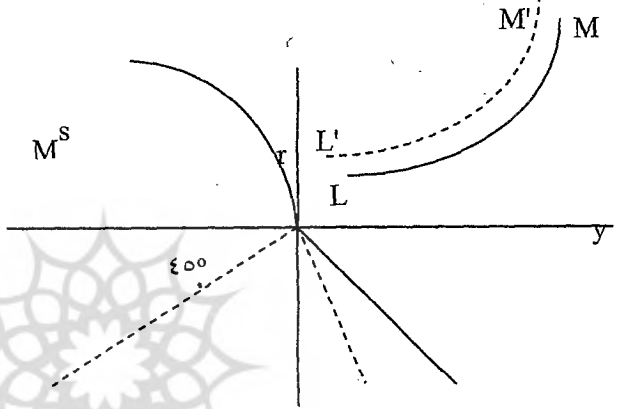
که r نرخ بهره و $\overset{\circ}{M}$ (در اینجا) عرضه پول است. با جاگذاری (۶) در (۵) خواهیم داشت:

(۷)

$$\frac{M(r)}{P} = K.y$$

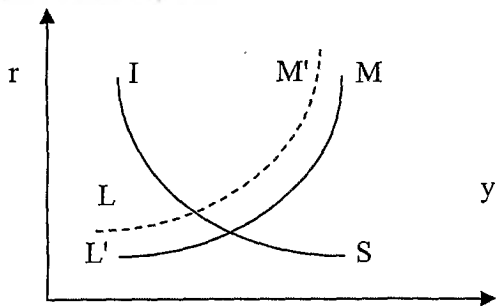
که رابطه (۷) در واقع منحنی LM را نشان می دهد.

اگر عرضه پول را در ناحیه دوم، تقاضای پول را در ناحیه چهارم و تعادل بازار پول را در ناحیه سوم از نمودار ترسیم کنیم، منحنی LM به صورت صعودی در ناحیه اول رسم خواهد شد.



تعادل بازار پول

اگر سطح قیمت‌ها مثلا دو برابر شود، M به وضعیت نقطه چین درآمد آنگاه منحنی LM به سمت چپ و بالا منتقل خواهد شد و اگر منحنی IS وضعیت معمولی خود را داشته باشد منجر به افزایش نرخ بهره اسمی و کاهش تولید ملی خواهد شد.



بنابراین در این الگوی ساده شده، با افزایش سطح قیمت‌ها، نرخ بهره اسمی افزایش یافت. به همین دلیل در شرایط تورمی، نرخ بهره اسمی در بازار افزایش می‌یابد و از طرف دیگر باثبات سایر شرایط، رکود تورمی را بدنبال دارد چرا که قیمت‌ها افزایش یافته (تورم) و تولید ملی کم می‌شود (رکود).

نرخ بهره بانکی به دلیل غیر قابل پیش‌بینی بودن با مفهوم ربا متفاوت درمی‌آید. بهره همان بازدهی سرمایه یا سود سرمایه است. از آنجا که در شرع مقدس اسلام دستوری صریح بر رد پول وجود ندارد (به عنوان سرمایه) می‌توان پول را نوعی دارایی در نظر گرفت. بازدهی و سود سرمایه در اسلام مورد قبول است ولی این سود با ربا متفاوت است.

۲- ربا و استقراض پول

ربا به مفهوم اعم شامل زیادتی و افزونی است و به سه نوع ربای معاملی - ربای قرضی و ربای جاهلی تقسیم می‌شود. در ربای معاملی دو کالای همجنس با یکدیگر همراه با زیادی عینیه (یک من گندم با دو من گندم) و یا همراه با زیادی حکمی (یک کیلوگرم گندم با دو کیلو نسیمه) معامله می‌شود. در ربای قرضی، شخصی به دیگری کالا یا پول قرض داده و شرط می‌کند که مقدار بیشتر بگیرد. در ربای جاهلی هر گاه شخصی از دیگری طلبی داشته باشد و بدهکار نتواند در موعد مقرر بدهی خود را بپردازد طلبکار از او می‌خواهد تا در مقابل طولانی شدن مدت بازپرداخت مقدار بیشتری به او پرداخت شود. در این مقاله ربای قرضی مورد نظر است.

حرمت ربای قرضی در صورتی است که قرض دهنده به هنگام قرار داد شرط کرده باشد که مقدار بیشتری را دریافت کند. صرف گرفتن زیادی در قرض موجب ربا و حرمت نمی‌شود. بلکه ملاک اشتراط، زیادی در قرض است. در استقراض، ضمن انتقال مالکیت منابع مالی، قرض گیرنده ریسک عملیاتی این منابع را هم قبول می‌کند و لذا اگر در بکارگیری این منابع، سودی حاصل شود این سود منطقیاً به قرض گیرنده تعلق خواهد داشت و وی ضامن استرداد اصل مبلغ قرض گرفته شده است. چون بر اساس موازین اسلام، قرض منشاء مالکیت است، لذا قرض دهنده طی مدت استقراض نه مالک سرمایه است و نه ریسکی را تحمل می‌کند و لذا حقی نسبت به دریافت مبلغی اضافه بر اصل قرض ندارد.

برخی فقها در مورد قرض و استقراض تصریح کرده‌اند که قرض گیرنده فقط ضامن همان مبلغی است که قرض گرفته است و قدرت خرید پول در این مسأله تأثیر ندارد. از طرف دیگر، برخی فقها معتقد هستند که قرض اسکناس در حقیقت تملیک

مقدار معینی از قدرت خرید است که در هنگام باز پرداخت همان مقدار قدرت خرید باید به او برگردانده شود.^۱

برخی اقتصاددانان هم بر این عقیده هستند که با وجود تورم در جامعه حتی اگر بازپرداخت بهره سپرده‌های بانکی با نرخ معینی تضمین شود اما با توجه به اینکه نرخ تورم از قبل معلوم نیست، تعیین میزان بهره واقعی از قبل عملاً غیر ممکن است.^۲ بر اساس تعاریف حقوقی، ربا عبارتست از بهره وامی که از پیش تعیین شده باشد آنچه موجب حرام شدن این وجه اضافه (ربا) می‌شود، شرط از پیش تعیین شدن آن است. لذا اگر دریک رابطه حقوقی نظیر وام گرفتن یا وام دادن چنین وجهی دریافت شود این معامله بر اساس مبانی اسلام حرام خواهد بود. اما اگر به جای وام، طرفین رابطه حقوقی را به شکل سرمایه‌گذاری برقرار کنند و وجه اضافی به صورت از پیش تعیین نشده به عنوان سود بین طرفین توزیع شود از نظر شرعی اشکال ندارد. نظر برخی فقها در زمینه استقراض بر این است که نگهداشتن پول کسی اگر همراه با کاهش ارزش پول باشد به دو صورت است:

الف - از راه ظلم و ستم باشد، قرض مدت‌دار بوده (طولانی مدت) ولی به موقع بازپرداخت نشده باشد در اینجا طبق قاعده لاضرر و لا ضرار باید جبران صورت گیرد.

ب - از راه تراضی و توافق طرفین باشد مثل این که در سند وقتی گذاشته شده باشد و اگر ارزش پول پایین آمده باشد هیچ اشکالی ندارد و شخص قرض گیرنده ضامن کاهش ارزش پول نیست.^۳

یکی دیگر از فقها هم ضمن تقسیم پول به پولهایی که ارزش آنها در طول زمان ثابت است و یا حتی افزایش می‌یابد (طلا و تقره) و همچنین پولهایی که ارزش آنها نوسانی است و عمدتاً کاهش ارزش دارند (پول اعتباری)، به انواع ارزش (ارزش مثلی و ارزش قیمتی) هم اشاره می‌کند و از دیدگاه سیاستگذاری مطرح می‌کند:

الف - باید در زمانهای نزدیک (کوتاه مدت) وام شش ماهه، وام دو ماهه و .. محاسبه مثلی صورت گیرد.

ب - در زمانها طولانی (بلندمدت) بایستی محاسبه قیمتی صورت گیرد (کاهش یا افزایش ارزش محاسبه شود).

از سوی دیگری بر این عقیده است که مصالحه در شرایط استقراض و وام دادن نوعی احتیاط است و در کل معاملات (معاملات کلان) مشکل بوده اما در

۱- موسوی بجنوردی (نقل از فراهانی فرد)

۲- موسی غنی نژاد (نقل از فراهانی فرد)

۳- آیت ا... کاظم حسینی حایری (مجموعه مباحث اقتصاد اسلامی، قم، سال ۱۳۷۸)

۴- آیت ا... آصفی (مجموعه مباحث اقتصاد اسلامی، قم، سال ۱۳۷۸)

معاملات جزئی آسان است اما در طولانی مدت محاسبه کاهش ارزش پول باید با معیارهای عرفی بازار صورت گیرد. اضافه بر جبران و کارمزد ریاست اما کمتر از آن ربا نیست.

نظر عده ای از علما^۱ هم بر این است که بطور کلی معاملات را نباید با شرط انجام داد یعنی در موارد ضرورت می‌توان از بانک پول گرفت اما شرط نکرد. یعنی شرطهای ضمنی (ضمن عقد) نباید باشند. دیگر فقها^۲ به جبران مشروط پول معتقدند. یکی از اقتصاددانان اسلامی^۳، معتقد است که وام دهنده به محض وام دادن، هیچ حقی بر پولی که داده است ندارد جز اصل و بهره آن در پایان دوره وام. در دیدگاه اسکولاستیکها، بهره تابع زمان بوده و چون زمان هدیه خداست، لذا ربا حرام تلقی شده است. همچنین ارسطو معتقد بوده که اگر وجهی (وجهی) را در صندوقی قرار بدهید پس از یکسال چیزی بر این وجه اضافه نمی‌شود و از این رو بهره و ربا معادل هم دانسته و آنها را ممنوع شمرده است^۴.

دلایل تحریم ربا بر اساس مندرجات مقاله مسلمین، پول و خبثت در مجله ارزشهای جاویدان به این صورت مطرح شده است^۵:

اولاً در صدر اسلام این آگاهی و اطلاع وجود داشت که اعمال بهره سرانجام در جامعه مسلمین، ثروت را لایه‌بندی کرده و منجر به ظلم و ستم و بردگی فقرا می‌شود. دانشمندان مسلمان قدرت بهره مرکب (مراجه) را دریافتند به این مفهوم که میزان متوسطی از پول می‌تواند تا مبالغ بسیار زیادی در طول زمان بدون هرگونه تجارت یا کار انجام شده رشد کند. اعراب، معروف‌ترین ریاضیدانان را داشتند که سیستم اعشاری را از هندوان اخذ کرده و بکار بستند. همین اعراب بودند که مفهوم صفر را مشخص کردند. این تشخیص، شرط لازم در دانش ریاضی بود. بدون ریاضیات لازم برای پرداختن به ارزش زمانی پول، دنیای غرب نمی‌توانست رونق امروزی را در سرمایه‌داری و بازارهای مالی و انگیزه‌های فرا مصرفی (مصرف زیاده از حد) و شکاف بین ثروت و فقر جهانی را شاهد باشد.

دلیل دیگر تحریم ربا این بوده که در دین اسلام، ربا نقض حاکمیت الهی تصور می‌شود. در این دیدگاه پرداخت بهره، به عنوان تضمین یک نرخ بازده در آینده است و این کفر تلقی می‌شود زیرا تنها خدا می‌تواند آینده را تضمین کرده یا از آن مطلع باشد. به عقیده علمای مسلمان، برقراری یک نرخ ثابت روی یک وام، به معنی

۱- آیت ا... خوینی (مجموعه مباحث اقتصاد اسلامی، قم، سال ۱۳۷۸)

۲- آقایان مکارم، صافی و اردبیلی

۳- ایرج توتونجیان (۱۳۷۹)، پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه داری، نشر توانگران، ص ۲۱۵

۴- فریدون تفضلی (۱۳۷۲)، تاریخ عقاید اقتصادی، فصل اول، نشر نی

۵. Muslims, Money and Malic, *Eternal Value Review*, Issue 8, Vol5, 2002

نشستن در جایگاه الهی است. چون سرنوشت بشر به نیت الله برمی گردد تنها یک کافر به تعهدات آتی نوع بشر متکی است.

با ملاحظه منطق دیدگاه اسلامی در مورد ربا و همچنین ممنوعیت‌های مربوط به تراکم ثروت (تکاتر)، مخارج اسراف‌کارانه و پول دوستی مفرط، اغلب مسیحیان احتمالاً با نظریات و عقاید فوق موافق هستند.

مقاله مذکور با بیان دیدگاه‌های خود نتیجه می‌گیرد که مفهوم ربا توضیح دهنده این مسأله است که چرا ملت‌های مسلمان بخشی از ساختار فعلی قدرت مالی جهان را تشکیل نمی‌دهند. در عوض، مراکز عمده مالی جهان در اختیار یهودیان قرار دارند.

یکی از پژوهشگران غربی^۱، بانکداری اسلامی را منوط به دو اصل بنیادین می‌داند:

الف - حذف ربا یا ممنوعیت ربا: بر اساس قاعده لاضرر و لا ضرار (No pain No Gain)، ربا ممنوع است.

ب - در اسلام، خصوصیات اخلاقی بازدارنده سرمایه‌گذاری‌های نامطلوب هستند.

وی با تبیین ابزارهای کلیدی مالیه اسلامی (مضاربه، شرکت، مشارکت، مرابحه، اجاره و بیع سلم) ویژگی‌های بانکداری اسلامی را در پنج مورد خلاصه می‌کند:

الف - عدم وجود بهره

ب - جهت‌گیری تجاری

ج - عملکرد بانکی وابسته به سهام و شراکت

د -

ه - جهت‌گیری اخلاقی

یکی از اقتصاددانان اسلامی،^۱ هم از استفاده از پول برای رشد پول را ممنوع می‌شمارد و معتقد است که وامی (قرضی) که در اسلام به دیگران داده می‌شود. به عنوان وسیله ملاحظه می‌شود. وی برای تبیین دیدگاه خود به نص صریح قرآن اشاره دارد:

من یقرض الله قرضاً حسناً فالله یضاعف له (هرکس به خدا قرض نیکو بدهد در قبال آن خدا پاداش وی را چند برابر می‌کند).

۳ - دیدگاه مقاله: تحریم ربا

فرض اساسی در مسأله استقراض این است که قرض دهنده، قرض را با رضایت خود می‌دهد تا کسب رضای الهی بنماید و چون با رضایت خود می‌دهد می‌تواند مثال قرض را بگیرد نه قیم قرض را و لذا نباید انتظار جبران داشته باشد. در

^۱.Edwards, W.(2001).Demystifying Islamic Banking and Finance, Strategic Treasury, PPI-3

^۱.Malkawi, M.(2002). Economic Justice: Islam versus Capitalism, From Internet

واقع تغییرات نوسانی ارزش پول خارج از اختیارات قرض دهنده و قرض گیرنده است و به سیاستهای کلی اقتصادی برمی گردد. اما در جهت تأیید نظر خود تنها کافی است به آیات متعددی که در زمینه‌های ربا آمده است نگاهی گذرا داشته باشیم:

آیه ۲۵۷ سوره بقره:

آنانکه ربا خوارند بر نخیزند به مانند آنکه به وسوسه و فریب شیطان دیوانه شده و آنان به این سبب در این عمل زشت هستند که گویند هیچ فرقی میان معامله، تجارت و ربا نیست و حال آنکه خداوند تجارت را حلال و ربا را حرام کرده هر کس پس از آنکه پند و اندرز کتاب خداوند به او رسید از این عمل زشت دست بکشد خداوند از گذشته او درگذرد و عاقبت کار او با خدای مهربان باشد و کسانی که از این عمل دست نکشند اهل جهنم هستند و در آن جاوید معذب خواهند بود.

آیه ۲۷۶ سوره بقره:

خداوند ربا (سود پول) را انابود گرداند و صدقات را افزونی بخشد و خداوند مردم سخت بی‌ایمان گنه پیشه را دوست ندارد.

آیه ۲۷۸ سوره بقره:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا بترسید و زیادی ربا مگیرید اگر اهل ایمان هستید.

آیه ۲۷۹ سوره بقره:

پس اگر ترک ربا نکردید بدانید و آگاه باشید که به جنگ خدا و رسول برخاسته‌اید و اگر از این کار پیشمان گشتید اصل مال شما برای شماست بر کسی ستمی نکرده‌اید و ستمی نکشیده‌اید.

آیه ۲۸۰ سوره بقره:

و اگر از کسی طلبکار هستید تنگدست شود به او مهلت دهید تا توانگر گردد و اگر در هنگام تنگدستی به رسم صدقه ببخشید برای شما بهتر است اگر دانا باشید.

آیه ۲۰ سوره مزمل:

اقرضوا الله قرضاً حسناً: به خدا قرض نیکو بدهید.

آیه ۳۹ سوره روم:

و آن سودی که شما به رسم ربا دادید تا بر اموال مردم ربا خوار بیفزاید نزد خدا هیچ نیفزاید و آن زکاتی که از شوق و اخلاص به خدا به فقیران دادید ثوابش مضاعف (چند برابر) شود و همین زکات‌دهندگان که دارایی خود را بسیار افزونی بخشند.

آیه ۱۳۰ سوره آل عمران:

ای کسانی که ایمان آورید ربای مضاعف نگیرید و خدا ترس باشید تا رستگار شوید.

آیه ۱۳۴ سوره آل عمران:

مومنین کسانی هستند که هنگام وسعت و یا تنگدستی انفاق می‌کنند و خداوند نیکوکاران را دوست یارد.

بنابراین اگر مینا، رضایت الهی باشد و قرضی که داده می‌شود نهایتاً منجر به کسب مطلوبیت‌های اخروی شود، لزومی ندارد که قرض‌گیرنده در صورت کاهش ارزش پول، جبران قرض را بنماید. البته اگر این کار را بنماید نیکوتر و بهتر است یعنی چنانچه قرض‌گیرنده هم با رضایت خود، مبلغی بیش از اصل قرض و وام به قرض‌دهنده پرداخت نماید از شمول ربا خارج است. بنابراین اصل و پایه استقراض و وام دادن بر تراضی طرفین است و بر اساس موازین اسلامی، این تراضی در جهت رضای الهی است و لذا جبران قرض بر مبنای رسیدن به قرب الهی لازم و ضروری نمی‌باشد.

۴- میزان جبران قرض (بر اساس دیدگاه موافقین با جبران)
اگر ارزش پول را در زمان مبدأ (a) معادل V و در زمان مقصد (b) معادل V' بدانیم و t فاصله زمانی (مدت) بین مبدأ و مقصد باشد:

$$V \quad V'$$

$$a \xrightarrow{t} b$$

در وضعیت‌های عادی داریم:

$$V' < V$$

$$V' = \frac{V}{1 + r_m} \quad \text{که}$$

و چون $r_m = i_r + p$ که r_m نرخ بهره اسمی، i_r نرخ بهره واقعی و p نرخ تورم است، می‌توان نوشت:

$$V' = \frac{V}{i_r + p} \rightarrow \frac{V'}{V} = \frac{1}{i_r + p}$$

و خواهیم داشت:

$$\frac{V' - V}{V} = \frac{-i_r + p}{1 - i_r + p}$$

لذا تغییرات درصدی در ارزش پول را با V نشان می‌دهیم که

$$V^0 = \frac{V' - V}{V}$$

$$V^0 = \frac{-i_r + p}{1 + i_r + p} \quad \text{و}$$

اگر از V^0 نسبت به p مشتق جزئی بگیریم:

$$\frac{\partial V^0}{\partial p} = \frac{-1}{(1 + i_r + p)^2} \cdot V$$

میزان جبران تورم به این صورت محاسبه خواهد شد:

$$V + \frac{\partial V^0}{\partial p}$$

به عنوان مثال اگر $V = 100$ ، $i_r = 2\%$ و $p = 10\%$ باشد.

$$\frac{\partial V^0}{\partial p} = \frac{-1}{(1 + 2\% + 10\%)^2} (100) = \frac{-100}{1/2544}$$

و کل جبران مساوی است با:

$$100 - \frac{100}{1/2544} = 2028$$

اگر مبلغ جبران بیش از $28/20$ باشد ربا تلقی می شود.

۵- نتیجه گیری

اختلاف نظر در مفهوم و تعریف پول، در انواع ربا و در جبران یا عدم جبران تورم در مورد استقراض همچنان وجود دارد. ماهیت پول از مثلی بودن به قیمی بودن در طول زمان دچار دستخوش شده است. موافقین جبران تورم معتقدند که در طولانی مدت بخاطر کاهش شدید ارزش پول، بایستی زیان قرض دهنده جبران شود. مخالفین جبران تورم هم معتقدند که قرض گیرنده فقط ضامن مبلغ قرض گرفته شده است. در این مقاله با بیان مفهوم پول و تعاریف و وظایف آن، کاهش ارزش پول ناشی از افزایش تورم تلقی شده است و باین نقطه نظرات مختلف در مورد استقراض، میزان جبران تورمی بر اساس نظر موافقین جبران استخراج شده است. اما دیدگاه اصلی مقاله بر این است که در اسلام، اصل بر رضایت الهی است و رسیدن به رضایت خدا عالیتین درجه ایمان را در بر دارد، بنابراین اگر قرض دهنده مسلمان میزان معینی پول را در اختیار قرض گیرنده قرار دهد، در واقع این کار را از روی حسن نیت و رسیدن به قرب الهی انجام می دهد و لذا اگر هنگام استرداد مبلغ قرض داده شده از سوی قرض گیرنده، میزان قرض دچار کاهش ارزش شده باشد نبایستی نگران و سراسیمه باشد. اصل

ترازی طرفین هنگام استقراض و وام دادن، ناظر بر این است که لزومی به جبران میزان قرض در اثر تورم نیست اما اگر قرض گیرنده، علاوه بر اصل قرض، میزان خاصی را به قرض دهنده با رضایت پرداخت نماید از شمول ربا خارج خواهد بود ولی اجبار قرض دهنده به اخذ زیادتى (ربا) از قرض گیرنده ممنوع و مخالف آیات صریح قرآن است.

منابع و مأخذ:

- ۱- امام خمینی، استفتائات، ج ۲، ص ۲۹۰
- ۲- برانسون، ویلیام، اچ «اقتصاد کلان: نظریه‌ها و سیاستها» ترجمه عباس شاکری، نشر نی، سال ۱۳۷۲
- ۳- تفضلی، فریدون (۱۳۷۲). تاریخ عقاید اقتصادی، تهران، نشر نی
- ۴- توتونچیان، ایرج (۱۳۷۹). پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه داری، تهران، نشر توانگران
- ۵- فراهانی فرد، سعید «سیاستهای پولی در بانکداری بدون ربا»، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۸
- ۶- فرجی، یوسف «پول، ارز، بانکداری، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، سال ۱۳۷۷
- ۷- قرآن کریم
- ۸- مجتهد، احمد و علی حسن زاده «پول و بانکداری»، انتشارات مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، ۱۳۸۰
- ۹- موسویان، عباس «پس انداز و سرمایه‌گذاری در اقتصاد اسلامی» انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۶
- ۱۰- یادداشت‌های درسی اقتصاد اسلامی؛ سال ۱۳۷۷

11. Edwards, W. (2001). Demystifying Islamic Banking & Finance. Strategic treasury, PP. 1-3.

12. Eternal Value Review, Issue 8, Vo 15, Dec 2002, "Muslims, Noney & Malice, Part III.

13. Malkawi, M. (2002). Economic Justice: Islam Versus Capitalism: from Internet